



## جایگاه موعظه در فقه و تربیت با محوریت فقه اسلامی

سید طاهر محقق زاده\*

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۲۹

### چکیده

تربیت، روش‌های گوناگونی دارد از جمله؛ محبت، تشویق، تنبیه، موعظه و... از آنجایی که «موعظه» یکی از اساسی‌ترین روش‌های تعلیم و تربیت است و هیچ کس از آن بی‌نیاز نیست، بر آن شدیم تا «موعظه» را طبق آموزه‌های فقهی، بررسی کنیم. از آنجایی که هر عمل انسان یک حکم فقهی دارد از کوچک‌ترین کار روزمره تا بزرگ‌ترین تصمیم برای آینده، هر مربی باید علاوه بر اصول تربیتی، با اصول فقهی آشنا باشد، و هر فقیه نیز با اصول تربیتی، تا به مرتبی منتقل کند. یکی از بزرگ‌ترین نقص‌های جامعه‌ی ما جدایی بین فقها و مربیان است به طوری که ما در حوزه‌ها و دانشگاه‌ها، دانش جویانی بدون آگاهی از علم فقه و فقهایی بدون علم روز داریم. با ایجاد اتحاد بین فقه و تربیت، می‌توان جامعه‌ای متعهد و معتقد و آشنا به اعتقادات حقه داشت. این مقاله به صورت توصیفی، تحلیلی و کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده، تا ضمن اشاره به مفهوم شناسی فقه و تربیت، به یکی از روش‌های تربیت؛ یعنی «موعظه» پردازد و آن را بررسی نماید، تا اثبات شود با به‌کارگیری روش‌های اسلامی، می‌توان از مشکلات اخلاقی و مفسد در جامعه پیشگیری کرد و زمینه‌های موفقیت انسان‌ها را در تمامی ابعاد زندگی فراهم کرد. زیرا احکام فقهی موعظه، با کمک یکدیگر انسان را در رساندن به مدارج عالی و کمالات کمک می‌کند. این مقاله؛ به نقش موعظه در تربیت، نقش موعظه در فقه، احکام فقهی موعظه، موعظه‌ی واجب، مستحب، حرام، موعظه‌ی پنهانی و عمومی، وظایف روحانیت در موعظه، و راهکار ایجاد جامعه‌ی سالم با ترویج موعظه پرداخته است.

**کلیدواژگان:** روش تربیتی، موعظه، احکام فقهی موعظه، فقه، تربیت.

\* دانشجوی کارشناسی علوم قرآن و حدیث، جامعه المصطفی العالمیه، مشهد



## مقدمه

سعادت انسان، در گرو تربیت صحیح با رعایت معیارهای اصیل اسلامی است. اگرچه تغذیه و مراقبت‌های بهداشتی و آموزش مهارت‌های اجتماعی بسیار مهم و از جمله وظایف والدین می‌باشد ولیکن؛ هدایت به سوی خداوند و آموزش دین و باورهای دینی و ارزش‌ها و اعتقادات اسلامی و احکام حلال و حرام الهی وظیفه‌ی هر والدین مسلمان است. والدین باید در انجام طاعت الهی و ترک معاصی و محرمات نیز به فرزند خود کمک کنند و زمینه‌های طاعت و انس با دین را برای او فراهم آورند. اما مسئله‌ی مهم، چگونگی ارائه‌ی این آموزش‌ها به فرزند است و این که با چه روشی کودک را به تعالیم دینی جذب کرد تا در او نهادینه شود. با توجه به اینکه فقه و تربیت دو عرصه‌ی مهمی هستند که نقش برجسته‌ای در زندگی فرد مسلمان ایفا می‌نمایند، و شریعت و بُعد عملی آن یعنی فقه، جایگاه ویژه‌ای در زندگی انسان دارد، باید میان فقه و تربیت تعامل ایجاد کرد. تربیت، زمینه‌ساز موفقیت انسان است و فقه، پاسخگوی نیاز شرعی انسان در همه‌ی ابعاد فردی و اجتماعی، پس باید زمینه‌های ارتباط و تعامل این دو عرصه‌ی مهم در زندگی فرد مسلمان به وجود بیاید تا آثارش در جهت دهی تعلیم و تربیت فرزندان آشکار شود. نقش تعلیم و تربیت در فقه، استفاده از روش‌های تربیتی در آموزش احکام فقهی و به کار بستن آنهاست. فقه، روش‌های نوین خود را در آموزش احکام و چگونگی به کار بستن آنها عرضه می‌کند و اطلاعاتی را به مکلفان و متریان ارائه می‌کند. در تربیت، انتخاب روش صحیح و نتیجه بخش، امری ضروری است. قرآن کریم می‌فرماید: «لَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَى وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا» (بقره/۱۸۹)؛ «نیکویی در آن نیست که بجای استفاده از درها، برای ورود به خانه از پشت خانه‌ها و بیراهه‌ها وارد شوید، نیکویی آن است که پارسا باشید و از در خانه‌ها وارد شوید». این آیه به این نکته اشاره می‌کند که هر کار روش ویژه‌ای دارد که باید مورد توجه قرار گیرد. (قرائتی، تفسیر نور، ۱۳۸۷: ج ۱، ص ۳۸۶)

روش‌های تربیتی را به دو بخش می‌توان تقسیم کرد:



۱. روش‌های تربیتی قبل از تولد: مانند؛ انتخاب همسر شایسته، رعایت آداب معاشرت با همسر، تغذیه مادر (روزی حلال).
  ۲. روش‌های تربیتی بعد از تولد: مانند؛ محبت، تشویق، تنبیه، ایجاد انگیزه، امر به معروف، احترام، اعتدال، همراهی، فرضیه سازی، الگوی تربیتی و موعظه.
- این مقاله، به یکی از اساسی‌ترین روش‌های تربیت؛ «موعظه» پرداخته است، در قرآن کریم، روایات و سیره انبیاء و اولیای الهی، موعظه در تربیت و هدایت امت و مردم نقش زیادی داشته و از این روش تربیتی بسیار استفاده شده است. امام علی (ع) نقش تربیتی موعظه را طوری تعریف می‌کند که گویا بر سایر شیوه‌های تربیتی برتری دارد. آن را به نوری تشبیه می‌کنند که هنگام تابیدن بر نفس انسان به آن نورانیت و روشنایی می‌بخشد. «المواعظ صقال النفوس، و جلاء القلوب (آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ۱۴۱۰ق: ص ۳۷۳)؛ موعظه نفس انسان‌ها را صاف و نورانی می‌کند».

### پیشینه تحقیق

- در مورد موعظه؛ به طور کلی کتاب‌ها و مقالاتی چاپ شده است که چند نمونه ذکر می‌شود.
- ۱- مقاله‌ی موعظه از دیدگاه قرآن و روان‌شناسی، به نویسندگی: طاهره ماهرزاده و مرضیه خراسانی، که در همایش قرآن و روانشناسی در دوره اول، سال ۱۳۹۹، چاپ شده است.
  - ۲- مقاله‌ی جایگاه موعظه در احکام فقهی قرآن، به نویسندگی: مریم داروندزاده، که در مجله‌ی پژوهش و مطالعات اسلامی، شماره ۱۲، در سال ۱۳۹۹، به چاپ رسیده است که از دیدگاه قرآن به بیان این موضوع پرداخته است و انواع روش‌های تبلیغی که در قرآن بر پیامبر نازل شده و نیز موعظه‌های مستقیم الهی را بررسی کرده است.
  - ۳- کتاب روش‌های تربیتی در قرآن: (تذکر و یادآوری، موعظه و نصیحت، عبرت‌دهی، امر و نهی)، جلد اول، نوشته‌ی محمدرضا قائمی‌مقدم، و ویراستاری: سعیدرضا علی‌عسکری، در انتشارات پژوهشکده حوزه و دانشگاه، در سال ۱۳۹۴، به چاپ رسیده است.

## جنبه نوآوری

در اکثر کتاب‌ها و مقالاتی که به فقه تربیتی پرداخته‌اند به کلیات و یا ارتباط بین این دو موضوع پرداخته شده است، و در روش‌های تربیتی در فقه، به طور کلی درباره‌ی همهی روش‌ها بحث شده است، اما این مقاله به یکی از روش‌های تربیتی، «موعظه» به صورت تخصصی از دیدگاه فقهی و آموزه‌های تربیتی به صورت نوآورانه پرداخته و این موقوله را در جایگاه اجتماع، از لحاظ حرمت و حلیت بررسی نموده است.

## مفاهیم

### تعریف فقه

در لغت، به موشکافی و ریزبینی و فهم دقیق «فقه» می‌گویند، (مکارم شیرازی، دائره المعارف فقه مقارن، ۱۳۸۵: ج ۱، ص ۳۱) فقه، به معنای دانستن و فهمیدن است. (جوهری، الصحاح تاج اللغه و صحاح العربیه، ۱۴۰۷ق: ج ۶، ص ۲۲۴۳) معنای حقیقی فقه شکافتن و گشودن است. (أبو عبید الهروی، الغربیین فی القرآن و الحدیث، ۱۳۷۸: ج ۲، ص ۱۲۶) در اصطلاح، علمی است که از فروع عملی احکام شرع بحث می‌کند و مبنای این علم بر استنباط احکام از کتاب و سنت است. (دهخدا، لغت نامه، ۱۳۶۳: ج ۲، ص ۲۱۳۰) فقه در قرآن به همان معنای لغوی، یعنی بصیرت و ریزبینی و ادراک دقیق (مکارم شیرازی، دائره المعارف فقه مقارن، ۱۳۸۵: ج ۱، ص ۳۴) تدبّر و تعمّق به کار رفته است. (منافقون/۳-۷)

### تعریف تربیت

تربیت در لغت؛ به معنی زاد و نما، رشد کردن و برآمدن، قد کشیدن و بالیدن، (فیومی، مصباح المنیر ۱۴۲۸ق: ص ۲۱۷) مالک، مربی، افزودن، پروراندن، برکشیدن، رویانیدن و تغذیه کودک است. (ابن منظور، لسان العرب ۱۳۷۵: ج ۱، ص ۳۹۹) تربیت، دگرگون کردن گام به گام و پیوسته هرچیز است تا زمانی که به انجام برسد. (راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ۱۳۷۴: ص ۱۸۴) در اصطلاح یعنی پرورش در جهت رشد و کمال، انتخاب رفتار و گفتار مناسب، ایجاد شرایط و عوامل لازم، تا بتوان استعدادهای نهفته را در تمام ابعاد وجودی انسان به طور هماهنگ پرورش داد تا به سوی هدف و کمال مطلوب



به تدریج حرکت کند. (انصاری، احکام و حقوق کودکان در اسلام، ۱۳۹۲: ج ۱، ص ۶۶-۶۷)  
(۴۶۶)

### تعریف مربی

در لغت به کسی مربی گفته می‌شود که رشد و نمو دیگری را بر عهده داشته باشد و بر وجود او بیفزاید (مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ۱۴۳۰: ج ۴، ص ۳۷) و او را در جهت مصلحتش نظافت و نگهداری کند. (نجفی جواهری، جواهرالکلام فی شرح شرائع الإسلام، ۱۳۶۲: ج ۶، ص ۲۳۱) و در اصطلاح شخصی است که به مظاهر اخلاق اسلامی آراسته است و در تربیت متربی، توجه نظری و علمی دارد. مراد از مربی انسانی است که در عمل به شریعت و دریافت‌های دینی و معنوی توانا باشد و مهارتی داشته باشد که بتواند متربی را به سوی کمال یاری کند. (عالم زاده نوری، نقش مربی در تربیت اخلاقی، ۱۳۹۲: ص ۳۵)

### متربی

مراد از متربی؛ هر نیروی انسانی است که تحت تأثیر تربیتی انسانی دیگر باشد. از این رو هر چند کودکان مصداق بارز متربی بوده و با توجه به تأثیرپذیری بیش‌تر، جنبه متربی بودن آنان برجسته‌تر است، اما این عنوان محدود به آنها نمی‌شود؛ بلکه انسان پس از بلوغ نیز می‌تواند متربی باشد.

### انواع مربی در قرآن

۱- خداوند: «رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الرَّحْمَنُ» (نبأ/۳۷)؛ «پروردگار آسمان‌ها و زمین و آنچه در میان آن دو است، پروردگار رحمان».

۲- پیامبران: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» (جمعه/۲)؛ «او کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنها می‌خواند و آنها را تزکیه می‌کند و به آنان کتاب و حکمت می‌آموزد».



۳- پدر و مادر: «وَأَخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلِيلِ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا» (اسراء/۲۴)؛ «بال‌های تواضع خویش را از محبت و لطف در برابرشان فرود آر و بگو: پروردگارا! همان گونه که آنها مرا در کوچکی تربیت کردند، مشمول رحمتشان قرار ده.»

۴- معلم: «يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ» (مجادله/۱۱)؛ «خداوند آنان را که ایمان آورده و آنان را که دارای علم‌اند، چندین درجه بالا می‌برد.»

### تعریف موعظه

معادل عربی پند و اندرز، «موعظه» است. (عمید، فرهنگ اسلامی عمید، ۱۳۸۰: ص ۱۱۷۷) وعظ «مصدر موعظه»؛ یعنی وادار نمودن آمیخته با تهدید و ترساندن، اندرز دادن به خیر و نیکی‌ها که توأم با رقت قلب و مهربانی باشد. (راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ۱۳۷۴: ص ۸۷۶) موعظه، نصیحتی شفا دهنده است. در اصطلاح؛ «موعظه»؛ یعنی استفاده کردن از عواطف انسان‌ها، زیرا موعظه بیشتر جنبه عاطفی دارد که با تحریک آن می‌توان توده‌های عظیم مردم را به طرف حق متوجه ساخت. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۵۳: ج ۱۱، ص ۴۵۵-۴۵۶) عملی است که در انسان حالت بازدارندگی از بدی‌ها و گرایش به خوبی‌ها را ایجاد می‌کند و او را آماده‌ی اتصاف به کمالات الهی می‌کند. (دلشاد تهرانی، سیری در تربیت اسلامی، ۱۳۸۲: ص ۲۹۴)

### موعظه در قرآن

در قرآن کریم، روایات و سیره انبیاء و اولیای الهی، موعظه در تربیت و هدایت مردم نقش مهمی دارد. موعظه یکی از اساسی‌ترین روش‌های تربیتی است که انسان را به نیکی‌ها یادآوری و به سوی آن سوق می‌دهد. در قرآن کریم آیات بسیاری وجود دارد که با مضامین مختلف، مردم را موعظه می‌نماید.

گاهی می‌فرماید: ای مردم عالم، «قرآن» که همه پند و اندرز و شفای دل‌های شما و هدایت و رحمت بر مؤمنان است، از جانب خدا برای هدایت و سعادت شما آمد. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَ تَكْمٌ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ شِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ» (یونس/۵۷) و در جای دیگر، بعد از بیان سرگذشت اقوامی که به دلیل ظلم و

فساد هلاک شدند، می‌فرماید: بی‌تردید در سرگذشت پیشینیان تذکر و اندرزی است برای آن‌کس که عقل دارد یا گوش فرا می‌دهد و حاضر است. «ان فی ذلک لَذِکْرٍ لِمَنْ کَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَ هُوَ شَهِیدٌ» (ق/۳۷) و یا خطاب به پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌فرماید: «وَذَکِّرْ فَإِنَّ الذِّکْرَی تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِینَ» (ذاریات/۵۵)؛ پیوسته تذکر و اندرز ده، زیرا تذکر، مؤمنان را سود می‌بخشد».

خداوند قرآن را کتاب پند و اندرز معرفی نموده است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَتْكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ» (یونس: ۵۷)؛ ای مردم! اندرزی از سوی پروردگارتان برای شما آمده است». انسان در تمام عمر، نیازمند موعظه است، زیرا به‌طور طبیعی در معرض غفلت و فراموشی از خود و آنچه به مصلحت اوست می‌باشد. این روش از جمله روش‌هایی است که خداوند متعال برای تربیت همه‌ی انسان‌ها سفارش کرده است. «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِینَ» (نحل/۱۲۵)؛ با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به شیوه‌ای که نیکوتر است مجادله‌نمای. در حقیقت پروردگار تو به حال کسی که از راه او منحرف شده دانتر و او به حال راه‌یافتگان دانتر است».

### موعظه در روایات ائمه معصومین (علیهم‌السلام)

موعظه یک نیاز طبیعی است که باعث بیدار شدن فطرت انسان می‌شود و از امر و نهی بیشتر تأثیر می‌گذارد. همه‌ی افراد به موعظه نیازمندند حتی افراد صالح و عالم، لذا احادیث فراوانی در این باب بیان شده است. ائمه معصومین (علیهم‌السلام) نیز در برنامه‌های تربیتی خود، برای هدایت فرزندان و دیگر افراد از روش موعظه استفاده می‌کردند. اهل بیت (علیهم‌السلام) فرزندان خویش را موعظه می‌کردند؛ چنان‌که حضرت علی(ع)، امام حسن(ع) را به خدا و معاد باوری، تقواگرایی و موعظه‌پذیری سفارش کرد و فرمود: «إِنِّي أَوْصِيكَ بِتَقْوَى اللَّهِ أَيُّ بَنِي وَ لُزُومِ أَمْرِهِ وَ عِمَارَةِ قَلْبِكَ بِذِكْرِهِ وَ الْإِعْتِصَامِ بِحَبْلِهِ وَ أَيْ سَبَبِ أَوْثَقُ مِنْ سَبَبِ بَيْنِكَ وَ بَيْنَ اللَّهِ إِنْ أَنْتَ أَخَذْتَ بِهِ أَحْيَى قَلْبِكَ بِالْمَوْعِظَةِ...» (نهج البلاغه، نامه ۳۱)؛ پسر! همانا تو را به ترس از خدا سفارش می‌کنم که پیوسته در فرمان او باشی،



و دلت را با یاد خدا زنده کنی، و به ریسمان او چنگ زنی. چه وسیله‌ای مطمئن‌تر از رابطه تو با خدا است، اگر سررشته آن را در دست گیری؟ دلت را با اندرز نیکو زنده کن.»

### آداب موعظه با توجه به قرآن و روایات

۱- کوتاه و خلاصه باشد. امام علی(ع) می‌فرماید: «اِذَا وَعَظْتَ فَأَوْجِزْ» (محمّدی ری شهری، میزان الحکمه، ۱۳۸۸: ج ۱، ص ۵۸۹)؛ موعظه را کوتاه کن.

۲- موعظ خصوصاً در خفاء صورت گیرد. امام حسن عسکری می‌فرماید: «مَنْ وَعَظَ اخَاهُ سِرّاً فَقَدْ زَانَهُ وَمَنْ وَعَظَهُ عَلَانِيَةً فَقَدْ شَانَهُ» (مجلسی، بحار الأنوار، ۱۳۶۸: ج ۷۸، ص ۳۷۴)؛ آنکه برادرش را در خفاء موعظه کند زینت او شده و آنکه علنی موعظه‌اش کند آبرویش را برده است.

۳- واعظ خودش اهل عمل باشد. امام صادق(ع) می‌فرماید: «انّ العالم اذا لم يعمل بعلمه زلت موعظته عن القلوب كما يزل المطر عن الصفا» (مجلسی، بحار الأنوار، ۱۳۷۷: ج ۲، ص ۳۹)؛ اگر عالم به علم خود عمل نکند موعظه‌ی وی از دلها می‌لغزد، چنانچه باران از روی سنگ صاف لرزیده می‌شود.

۴- باید در کمال نرمی و ملایمت و خیرخواهی نصیحت کرد. خداوند در قرآن به حضرت موسی(ع) می‌فرماید: «فَقُولْ لَهُ قَوْلًا لَيِّنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى» (احزاب/۷۰)؛ و با او کمال آرامی و نرمی سخن گویند، باشد که متذکر شود یا (از خدا) بترسد و ترک ظلم کند.

### جایگاه موعظه

گنجایش قلب پیامبر(ص) به حدی بوده است که قرآن به راحتی در آن جا گرفته است. حال پیامبر(ص) به جبرئیل(ع) می‌فرماید: «مرا موعظه کن»؛ جایگاه موعظه آنقدر مهم است که شخصیتی مثل رسول‌الله(ص) از جبرئیل(ع) آن را طلب می‌کند. جبرئیل(ع) نیز بدون تعارف موعظه کرد. پیامبر(ص) می‌داند که گوش برای شنیدن حق است، فلذا به جبرئیل(ع) می‌فرماید: مرا موعظه کن، و او که در رأس تمام فرشتگان است موعظه کرد و با پیامبر(ص) تعارف نکرد. اولین نصیحتش این بود: عن عبدالله ابن سنان عن أبي عبدالله عليه السلام قال: «رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم، لجبرئيل عطني فقال: يا محمدُ عَشِ مَا شِئْتَ فَإِنَّكَ مَيِّتٌ وَأَحَبُّمَا شِئْتَ، فَإِنَّكَ مُفَارِقُهُ وَاعْمَلْ مَا شِئْتَ فَإِنَّكَ مُلَاقِيهِ



شَرَفُ الْمُؤْمِنِ صَلَاتُهُ قِيَامُهُ بِاللَّيْلِ وَ عِزُّهُ كَفُّ عَنِ أَعْرَاضِ النَّاسِ كَفُّ الْأَذَى عَنِ النَّاسِ» (حرعاملی، وسایل الشیعه، ۱۳۷۰: ج ۸، ص ۱۴۵)؛ حدیثی از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به جبرئیل فرمود: مرا موعظه کن. گفت: ای محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) زندگی کن هر چه خواهی سرانجام تو می میری؛ دوست داشته باش هر چه را که می خواهی (بعد از مدتی) از آن جدا خواهی شد؛ عمل کن آن چه خواهی (روزی) آن را ملاقات خواهی کرد؛ شرف مؤمن به پناختن نماز اوست در شب؛ عزت مؤمن نگهداری خویش از آبروی مردم است.

### نقش موعظه در تربیت

استعدادی در جان آدمی است که تحت تأثیر سخن قرار می گیرد، که اگر تکرار شود تأثیرش ماندگار می شود. (سید قطب، روش تربیتی اسلام، ۱۳۶۲: ص ۲۵۴) اگر چه، انسانها بدیها و خوبیها را می دانند ولی به لحاظ گرایشهای نفسانی و غلبه غرایز، از آنها غفلت می کنند و کم کم دچار فراموشی می شوند. از این رو موعظه نقش مهمی در بیداری فطرت انسانها دارد و یادآوری نعمت‌های فراموش شده، زمینه‌ساز تربیت و رستگاری انسان خواهد شد. (بطحائی گلپایگانی، جایگاه موعظه و تذکر در تربیت دینی از منظر علامه طباطبایی، ۱۳۹۳: ص ۱۰۷) علامه طباطبایی درباره‌ی نقش موعظه در تربیت می نویسد: «قرآن در اولین برخورد با مؤمنین، کسانی را که دچار غفلت شده‌اند و باطن آنان به ظلمت‌های شک و ریب تاریک شده و دل هایشان به انواع رذایل و صفات و حالات خبیثه بیمار شده شناسایی می کند. از این رو با مواعظ حسنه اندرز می دهد تا از غفلت بیدار شوند و از هر نیت فاسد و عمل زشت دوری کنند و به سوی خیر و سعادت وادارشان می کند. مرحله دوم، پاک سازی باطن آنان از هر صفت خبیث و زشت است که در این مرحله آفات عقل و بیماری، دل‌های آنان را می زداید. در مرحله سوم، آنان را به سوی معارف حقه و اخلاق کریمه و اعمال صالح راهنمایی می کند، به گونه‌ای که او را منزل به منزل نزدیک می کند تا در آخر به سرمنزل مقربین برساند و رستگار شود. و در مرحله چهارم، جامه رحمت بر آنان می پوشاند و در دار کرامت منزلشان می دهد و به انبیا و



صدیقین و شهدا و صالحین ملحق می‌کند تا در زمره‌ی بندگان مقرب خود، در اعلیٰ علیین جای دهد.» (طباطبائی، تفسیر المیزان، ۱۳۶۳: ج ۱۰، ص ۸۰)

### تعامل فقه و موعظه

در تربیت اسلامی همان گونه که انجام واجبات و مستحبات و به طور کلی فعالیت‌های مثبت مهم و مورد توصیه است، دوری از محرمات و مکروهات و به طور کلی فعالیت‌های منفی نیز مهم و مورد تأکید است و باید به طور متعادل متربی، نسبت به هر دو جنبه آگاهی خود را افزایش دهد. (همت بناری، نگاهی به تعامل فقه و تربیت با تأکید بر نقش فقه در تربیت، ۱۳۸۱: شماره ۵۷)

محتوای تربیت، شامل همه‌ی فعالیت‌هایی است که در پرورش ابعاد وجودی انسان مؤثر است. محتوا و مسائل فقه نیز شامل؛ باید و نبایدهای شرعی، اعم از باید و نبایدهای آموزشی عملی و رفتاری می‌باشد. بنابراین این دو می‌توانند در بعضی از مسائل و محتواها تلافی داشته باشند. باید و نبایدهای فقهی بخشی از محتوای تربیت را تشکیل می‌دهد، و از طرفی دیگر فعالیت‌های آموزشی و تربیتی می‌توانند در حیطه‌ی احکام فقهی قرار بگیرند و از نظر فقهی جواز و عدم جواز آنها بررسی شود. فقه یک حوزه‌ی معرفتی شرعی و اسلامی است که بخش عملی شریعت را تشکیل می‌دهد و «موعظه» یکی از روش‌های تربیت می‌باشد، لذا باید بین «فقه و موعظه» در جامعه‌ی اسلامی تعامل برقرار کرد.

### هدف موعظه در فقه

موعظه، از روش‌های مهم و مؤثر در تربیت می‌باشد که مورد توجه اولیاء، مربیان و مبلغان بوده است. هدف از موعظه، پرورش استعدادها و نهفته و یادآوری معارف و صفات اخلاقی است که در فطرت انسان‌ها وجود دارد ولی به دلیل غفلت، دچار فراموشی شده است. درحقیقت موعظه فطرت آدمی را بیدار می‌کند، به همین دلیل خداوند فطرت موعظه‌پذیری را در دل انسان قرار داده، و او را برای قبول تربیت آماده کرده است. از آنجا که خداوند بر روش تربیتی موعظه در جهت هدایت مردم بسوی کارهای خوب، تأکید کرده است، مربیان، واعظان و مبلغان هم توجه زیادی به این روش تربیتی دارند و انسان‌ها را به سوی کارهای نیک و خوب، دعوت می‌نمایند.

## احکام فقهی موعظه

### الف: موعظه واجب

- یکی از مصادیق موعظه، «امر به معروف» است. «امر به معروف یعنی فرمان دادن به نیکی‌ها و دعوت کردن کسی که عمل واجبی را ترک کرده است. موعظه، یک تکلیف همگانی مانند امر به معروف است که بر همه لازم و واجب است». (طباطبائی، تفسیر المیزان، ۱۳۶۷: ج ۷، ص ۲۹۵) اولین مرحله‌ی امر به معروف، موعظه کردن است. امر به معروف در سه مرحله انجام می‌شود؛ اول باید موعظه کرد، سپس اگر موعظه اثر نکرد چهره در هم کشید، اگر این روش هم نتیجه داد «واضربوهن»، البته این در صورتی است که فردی منکری را انجام داده باشد و اصرار بر آن داشته باشد و موعظه و بی‌محلّی در او اثر نگذاشته باشد و فرض بر این باشد که چنین منکری ویرانگر زندگی است. (نساء/۳۴)

- برای هر امری که حکم شرعی آن واجب است موعظه صورت بگیرد حکم موعظه، واجب است. به عنوان مثال؛ موعظه برای نماز، روزه، حجاب.

- برای امری که منجر به فساد است موعظه انجام شود مانند؛ مواردی که آبروی مؤمنی در خطر است و یا غیبت مؤمنی را می‌کنند، بر مکلف واجب است با موعظه از آن جلوگیری نماید.

- موعظه نوعی تکلیف است. اگر آنچه که واعظ تبلیغ می‌کند، یک عمل لازم و واجب است، برای خود مبلغ هم وجوب عمل هست، و باید به آن واجب عمل کند، و به دیگران نیز آموزش دهد.

### استفتائی از امام خمینی (ره) در باب موعظه

باید توجه داشت که امر به معروف غیر از تعلیم، غیر از ارشاد، غیر از موعظه، غیر از سخنرانی و غیر از نصیحت است. سؤال این است اگر بدانیم امر اثر ندارد ولی موعظه اثر دارد، آیا واجب است موعظه کنیم؟ امام خمینی (ره) می‌فرمایند: «و لو علم أن الاستدعاء و الموعظة مؤثران فقط دون الأمر و النهی فلا یبعد وجوبهما»؛ اگر می‌داند دستور دادن اثر ندارد الا این که موعظه را هم به آن ضمیمه کند، احوط این است که امر هم بکند تا احتمال این که «امر» هم موضوعیتی داشته باشد را مراعات کرده باشد. و اگر می‌داند امرش



اثر ندارد ولی موعظه اثر دارد، همین کار را باید بکند که شارع در باب «امر به معروف» به عهده‌ی ما گذاشته است. (امام خمینی (ره)، تحریر الوسیله، ۱۳۹۲: ج ۱، ص ۴۶۷) امر به معنای دعوت به کار واجب است چه به شکل امر باشد و یا موعظه و ارشاد. (مکارم شیرازی، ۱۳۹۶: آرشیو درس خارج فقه سال ۹۴-۹۵)

امام خمینی (ره) در جای دیگر می‌فرماید: «لو احتمال حصول المطلوب بالوعظ و الإرشاد و القول اللین یجب ذلک، ولا یجوز التعدی عنه؛ اگر کسی که امر می‌کند احتمال می‌دهد که مطلوب او با موعظه و ارشاد کردن و سخن نرم حاصل می‌شود واجب است همین کار را انجام دهد. (امام خمینی (ره)، تحریر الوسیله، ۱۳۹۲: ج ۱، ص ۵۰۸)

### ب: موعظه مستحب

- اگر آنچه واعظ تبلیغ می‌کند یک عمل مستحب باشد و برای عمل مستحبی ترغیب کند، موعظه هم استحباب پیدا می‌کند. موعظه‌ی مستحب، موعظه‌ای است که به روشی نیکو، از روحی پاک برای اصلاح و هدایت بهره گرفته شود. موعظه‌ای نیکو است که خالی از هرگونه خشونت، برتری جویی، تحقیر، تحریک حس لجاجت و مانند آن باشد. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۵۳: ج ۱۱، ص ۴۵۶)

خداوند به پیامبر (ص) دستور می‌دهد که از شیوه تربیتی موعظه نیکو برای هدایت و تربیت مردم استفاده کند. «أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ» (نحل / ۱۲۵)؛ با حکمت و موعظه‌ای نیکو، مردم را به راه پروردگارت دعوت نما. یعنی موعظه همراه با بروز حُسن و زیبایی صورت گرفته باشد و از هر گونه سوء و بدی دور باشد.

### ج: موعظه حرام

- موعظه‌ی حرام شامل؛ ایجاد شبهه، انحراف در دین و یا تبلیغ فرقه‌های انحرافی است.

- تبلیغ یک فعل حرام، از این جهت که تبلیغ به حرام است، حرام می‌باشد. مثل؛ تبلیغ «أکل مُسْکِرَات»، تبلیغ بی حجابی، تبلیغ‌های ضد دینی.

- موعظه‌هایی که به عنوان باقیات السئيات از انسان باقی می‌ماند. مثل؛ شبهه‌ای که انسان در جامعه مطرح می‌کند و به وسیله‌ی آن شبهه جوانان و مردم را از دین دور می‌کند، حرام است.

- اگر موعظه کننده، درباره‌ی چیزهای اصلی و مهم مثل اصل خدا و تکالیف واجب، تبلیغ سوء کند، نیز موعظه‌ی حرام انجام داده و گنهکار است، و گناهش مؤکد و مؤاخذه‌اش حتمی می‌باشد. موعظه‌ای که منجر به فعل حرام شود؛ از یک طرف تکبر و غرور است و از طرف دیگر توهین و ذلت، همچنین با ایجاد کینه توزی و دشمنی، انسان را از رسیدن به حق و حقیقت دور می‌کند.

- قرآن می‌فرماید: «أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ» (بقره/۴۴)؛ «آیا مردم را به نیکی فرمان می‌دهید و خودتان را فراموش می‌کنید؟ یعنی شما در مقام امر و تبلیغ بر آمدید ولی از خودتان غافل شدید! این عقاب دارد و گناه است که آدمی از خودش غافل شود و فقط به فکر دیگران باشد. پس کسی که در مورد واجبات موعظه می‌کند، اگر آن را ترک کند در واقع دو گناه مرتکب شده؛ یکی اینکه وظیفه‌ی تعلیمی داشته ولی انجام نداده و دیگر اینکه خودش هم عمل نکرده، بنابراین دو عقاب دارد.

### نمونه‌هایی از موعظه‌ی حرام

- یکی از نمونه‌های موعظه حرام در طول تاریخ، می‌توان به حواریون اشاره کرد که پس از حضرت مسیح(ع) به تبلیغ و موعظه پرداختند. آنان در آغاز ادعای مذهب جدیدی نداشتند و تنها خود را مفسران واقعی کتاب مقدس می‌دانستند. گاهی سخنان عیسی (علیه السلام) را در حاشیه‌ی آن می‌نوشتند. اما به تدریج و با مواظبت اشتباه در دین مسیح تحریف ایجاد کردند، به طوری که در حال حاضر چند نوع انجیل وجود دارد.

- نمونه‌ی دیگر منافقان هستند که در هر عصر و زمانی با تبلیغ و تعلیم سوء، منکر را خوب نشان می‌دهند بعد به آن امر می‌کنند، و معروف را منکر نشان می‌دهند سپس با موعظه‌ی سوء، آن را نهی می‌کنند. «يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ» (توبه/ ۶۷)؛ اینها امر به زشتی می‌کنند، و نهی از خوبی می‌کنند. منافق صریحاً دعوت به کار حرام نمی‌کند



و نمی‌گوید معصیت بکن، بلکه آن را تزیین می‌کند و با موعظه و تبلیغات، کار خیر را سوء جلوه می‌دهد و بعد به آن امر می‌کند.

### موعظه پنهانی

هر فردی دارای عیوبی پنهان، یا فراموش شده است که پذیرش نقد و تذکر و موعظه برای او در نگاه اول شاید سخت باشد. بنابراین در موعظه‌های فردی بهتر است موعظه، به صورت پنهان و دور از چشم دیگران انجام شود. زیرا در حضور مردم باعث تحقیر شخصیت فرد می‌شود. علاوه بر آن، مردم از عیب او مطلع می‌گردند و آثار منفی در پی خواهد داشت. امام عسکری (علیه‌السلام) می‌فرماید: «مَنْ وَعَظَ أَخَاهُ سِرًّا فَقَدْ زَانَهُ وَ مَنْ وَعَظَهُ عَلَانِيَةً فَقَدْ شَانَهُ» (مجلسی، بحار الأنوار، ۱۳۳۸: ج ۷۵، ص ۳۷۴)؛ کسی که برادر مؤمن خود را در پنهان موعظه کند او را شخصیت و وقار می‌بخشد و اگر در حضور دیگران انجام پذیرد، او را کوچک نموده است. فلذا کسی که در فضای عمومی عیب و مشکل کسی را علنی کند به او دشمنی ورزیده است.

واضح است که یکی از محرمات، اهانت کردن به مؤمن است. بنابراین اگر کسی به گونه‌ای فردی را موعظه کند که به او اهانت شود، واجب مزبور آمیخته با حرام می‌شود و جایز نیست. از این رو باید در پنهانی و با بیانی ملایم و همراه با احترام موعظه صورت بگیرد. البته استثناء هم وجود دارد که گاهی ضرورت ایجاب می‌کند که در جلوی جمع به فردی تذکر داده شود یعنی در غیر حضور جمع، تذکر به او بی اثر است در اینجا موعظه در میان جمع اشکال ندارد. (مکارم شیرازی، ۱۳۹۶: آرشیو درس خارج فقه سال ۹۴-۹۵)

### موعظه عمومی

در موعظه‌ی عمومی و همگانی کسی نمی‌تواند مردم را از این حق بی‌جهت محروم سازد، ولیکن شرط‌هایی لازم دارد تا موعظه کارساز باشد.

- شرط اول شناخت و تحلیل رویدادها، آگاهی از وجود زمینه‌ها و تحلیل همه‌سویه آنها می‌باشد. یعنی موعظه از روی آگاهی و شناخت باشد.

- شرط دوم موعظه پذیری است، زیرا موعظه نیم کار است و نیم دیگر موعظه‌پذیری

می‌باشد.

- شرط سوم این است که باید مسائل را طبق شرع اسلام پیاده کند. بنابراین کسی که می‌خواهد با موعظه از ارزش‌ها دفاع کند و جلوی ضد ارزش‌ها را در جامعه بگیرد بهتر است ابتدا خود را با سلاح آگاهی همه سویه آماده سازد، وظیفه‌ی خود را به درستی بشناسد، بعد دست به انجام وظیفه بزند، و با تجزیه و تحلیل منطقی و روش و شیوه‌ای نیکو و همسو با شریعت، نکته‌های مورد نظر خود را بیان کند. شناخت کاستی‌ها و تلاش برای زدودن آنها گامی مهم برای رسیدن به رستگاری فردی و اجتماعی است. تبلیغ و موعظه برای اصلاح فرد و جامعه از رسالت‌های مهم علمای حوزه به شمار می‌رود.

### روحانیت و موعظه

اگر علما و فضلا در گوشه‌ای بنشینند و در متن تحولات فرهنگی و اجتماعی جامعه نباشند و نتوانند خطرهای از قبل احساس کنند و با آنها به رویارویی برخیزند و از دسترس مردم و جوانان دور باشند، دگراندیشان، فرقه‌سازان، مذهب تراشان، بیکار نمی‌نشینند و در فکر و اندیشه و فرهنگ عمومی مردم رخنه می‌کنند و کم کم شرایط، فضا و رسانه‌های تبلیغی را به خدمت خود می‌گیرند. بنابراین یکی از وظایف علماء، شناساندن دین به مردم است.

تربیت انسان‌ها بر مبنای اعتقاد و اخلاقی درست، تحریف زدایی از فرهنگ دینی، مبارزه با خرافات، رو کردن دست فرقه‌سازان، رویه‌ای است که باید علماء با تمام توان در پیش بگیرند. از این رو برای رسیدن به این هدف باید به میان مردم بیایند و با توده‌ی مردم کوچه و بازار، شهر و روستا، جوان و پیر، رابطه برقرار کنند و در جمع‌های عمومی حضور پیدا کرده و به موعظه و سخنرانی بپردازند تا از حال و کار مردم با خبر شوند و با اندیشه‌ها و رفتارهای اجتماعی مردم آشنا شوند. همچنین برای رواج باورها و رفتارهای درست، طرحی نو و برنامه‌ای دقیق طراحی کنند. در این راستا باید عموم مردم را موعظه کنند و به تعلیم احکام بپردازند، و حلال و حرام را به روشنی و با دقت برای مردم بازگو کنند. البته روحانیون؛ باید صدق و اخلاص در وعظ را رعایت کنند و مراقب زبان خود باشند، مطلبی را بدون آگاهی و علم بیان نکنند و به هنگام موعظه‌ی دیگران نیز، خود را مبرا از عیب‌ها ندانند و هرگز دیگران را نادان و خود را برتر نپندارند.



## مساجد، جایگاه اصلی موعظه

مساجد، جایگاه اصلی موعظه می‌باشد؛ زیرا محل عبادت بندگان خداوند است و بهترین مکان برای موعظه‌ی عالمان و مبلغان. و از سوی دیگر با برگزاری بسیاری از مراسم دینی و مذهبی در مساجد، منابر و تکیه خانه‌ها، می‌توان بسترها و زمینه‌های خوبی را برای موعظه‌ی عالمان و مبلغان دینی فراهم کرد.

## راهکار ایجاد جامعه سالم با ترویج موعظه

یکی از مشکلات جامعه‌ی ما این است که موعظه‌ها کم شده است، از این رو باید برای ترویج آن تلاش کرد تا مردم بیشتر از «موعظه» استفاده کنند. چند روش پیشنهادی به شرح ذیل بیان می‌گردد:

۱- تشکیل جلسات پرسش و پاسخ و برگزاری گفتمان‌های دینی: برای ترویج و نهادینه کردن هر سنت حسنه باید از گفتمان‌ها و جلسات دینی و هفتگی استفاده کرد، زیرا این فضاها بهترین مکان برای بازگو کردن و بیان اهمیت موعظه می‌باشد.

۲- الگو آفرینی دینی: اکثر مردم یک جامعه، تیپ شخصیتی و الگو پذیری‌شان را از اسطوره‌ها و سلبریتی‌ها می‌گیرند، که می‌توان با بیان وعظ و مطالب صحیح، الگوهای صحیح را شناسایی کرد و به مردم معرفی نمود. به عنوان مثال؛ معرفی شهید والا مقام، سردار دل‌ها «حاج قاسم سلیمانی» به عنوان الگوی صحیح.

۳- ایجاد سرگرمی و تفریح در موعظه: هر فرد در زمان‌های خاصی حرف شنوی و تاثیر پذیری بهتری دارد. به عنوان مثال؛ در اردوها، مهمانی‌ها، مکان‌های تفریحی، که می‌توان در این مناسبات به این مهم پرداخت و موعظه‌ی مفرح را به جای خندیدن‌های بی‌هدف و گاهی حرام، جایگزین کرد.

۴- استفاده از رسانه‌ها و فضای مجازی با ارائه‌ی داستان، پخش فیلم، سخنرانی، نوشتن کتب و مقالات و طراحی وبلاگ: یکی از مشکلات فعلی جامعه‌ی ما محیط افسار گسیخته‌ی رسانه‌ها و فضای مجازی می‌باشد، که باید به درستی مدیریت شود. و با ترویج موعظه و آموزش‌های صحیح، مردم را در برابر آسیب‌های آن ایمن کرد.



۵- پربار کردن فعالیت‌های فرهنگی و هنری: در هر فضایی که متدینین و افراد با ایمان نباشند فضایی جهت جولان ضد انقلاب و ضد دین و منافق ایجاد می‌گردد که با ورود افراد متعهد و متدین، و با موعظه و آگاه کردن به موقع مردم، این حربه‌ی دشمن خنثی می‌گردد.

۶- دادن امید به آینده و ایجاد انگیزه به مردم با موعظه: یکی از حربه‌های دشمن که این روزها به شدت به گوش می‌رسد، ناامید کردن مردم و پوچ نشان دادن اسلام است که با این روش می‌توان آن را خنثی کرد.

۷- برنامه‌ریزی برای جذب از دوران کودکی: بسیاری از افرادی که امروز فریب خورده‌اند، به این دلیل است که از دوران کودکی برای خلأ فکری و شبهات ذهنی آنها چاره‌ای اندیشیده نشده است. پس چه زیبا است که با برنامه‌ریزی و ایجاد دوره‌های انگیزشی و شکوفایی برای کودکان و موعظه‌ی نیکو، نسل علمی آینده از دینداران و متعهدان باشند.

### نتیجه‌گیری

کسی که موعظه می‌کند باید به آن عامل باشد، وگرنه موعظه‌ی او فایده‌ای نخواهد داشت و به تدریج روش تربیتی موعظه، مورد تعمیم نامناسب قرار می‌گیرد. امام صادق می‌فرماید: «إِنَّ الْعَالَمَ إِذَا لَمْ يَعْمَلْ بِعِلْمِهِ زَلَّتْ مَوْعِظَتُهُ عَنِ الْقُلُوبِ كَمَا يَزِلُّ الْمَطْرُ عَنْ الصِّفَاءِ» (کلینی، اصول کافی، ۱۳۶۹: ج ۱، ص ۴۴)؛ اگر عالم به علم خود عمل نکند، موعظه‌اش از دل‌ها گم می‌شود، همان‌گونه که باران از روی سنگ زایل می‌گردد.

موعظه باید از کوچک‌ترین نهاد جامعه؛ یعنی «خانواده» شروع شود تا به فرزندان خوبی‌ها را آموزش دهد و آنان را نسبت به بدی‌ها آگاه کند. والدین می‌توانند از راه موعظه پیام‌های مفید و آموزه‌های سازنده‌ی تربیتی را به فرزندان منتقل کنند. با موعظه‌ی صحیح می‌توان زمینه‌ی رشد فرزندان و بازدارندگی از هر نوع رفتار نادرست و انگیزه‌سازی برای موفقیت‌های آینده‌ی فرزندان را فراهم کرد. امام سجاد (ع) می‌فرماید: «وَأَمَّا حَقُّ وَكَدِّكَ فَتَعَلَّمْ أَنَّهُ مِنْكَ وَ مِضَافٌ إِلَيْكَ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا بِخَيْرِهِ وَ شَرِّهِ وَ أَنْكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وُلِّيْتَهُ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَ الدَّلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ وَ الْمَعُونَةَ عَلَى طَاعَتِهِ (حراعلی، وسایل الشیعه، ۱۳۷۰:



ج ۱۵، ص ۱۷۵)؛ بی گمان تو درباره‌ی آنچه بر عهده ات است؛ خوب تربیت کردن فرزند و او را به سوی خداوند عزوجل راهنمایی کردن و به فرمان برداری از او (خداوند) یاری کردن، مسئول هستی». باید واجباتی که مورد ابتلای فرزندان است، به آنها آموزش داد، و آنها را به گونه‌ای تربیت کرد که این آموزه‌ها را به کار گیرند. بنابراین باید در کنار آموزش، عملیات تربیتی نیز انجام داد؛ یعنی فعالیت‌هایی همچون موعظه و یادآوری به کار برد تا بعد از اینکه فرزند آموخت، در مقام عمل نیز مقید و ملتزم باشد.

از این راهکار دشمنان جهت ایجاد شبهه و نفاق در جامعه استفاده می‌کنند که ما از آن به عنوان موعظه‌ی حرام یاد کردیم. پس در مقابل؛ باید تلاش کرد دین اسلام را با موعظه‌ی واجب بیمه کنیم تا جوانان و خانواده‌های ما آلوده به موعظه‌ی حرام نگردند. موعظه نسبت به هر مسئله‌ای که بازگو می‌کند حکم همان مسئله را دارد، برای مثال؛ موعظه در امر واجب، واجب است و در امر حرام، حرام. در نتیجه حکم فقهی، همان حکم وجوب موعظه می‌باشد که از این جهت می‌توان به این مسئله اهمیت قائل شد و جایگاه آن را در فقه پیدا کرد. ولی چون موعظه، شورای نظارتی و ارزیابی ندارد مورد بی لطفی قرار می‌گیرد، در حالی که بزرگ‌ترین و موثرترین عامل اصلاح و پیشرفت جامعه، تبلیغ و ترویج و موعظه‌ی مستقیم است که در بطن اسلام به آن بسیار اشاره شده است. چه خوب است؛ کارگروهی تخصصی جهت بررسی ابعاد شیوه‌ی تربیتی موعظه و روش‌های موعظه دایر شود تا جامعه دچار کمبود و کاستی نشود.

## فهرست منابع

\* قرآن کریم

\*\* نهج البلاغه

۱. ابن منظور، محمدبن مکرم، «لسان العرب»، ج ۱، داربیروت، بیروت، ۱۳۷۵.
۲. ابو عبید الهروی، احمد بن محمد، «الغریبین فی القرآن و الحدیث»، ج ۲، تحقیق: مزیدی، مکتبه نزار مصطفی الباز، عربستان، ۱۳۷۸.
۳. امام خمینی (ره)، روح الله، «تحریر الوسیله»، ج ۱، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، تهران، ۱۳۹۲.
۴. انصاری، قدرت الله، «احکام و حقوق کودکان در اسلام»، ج ۱، محقق: فاضل لنکرانی، محمد جواد، مرکز فقهی ائمه اطهار (ع)، قم، ۱۳۹۳.
۵. آمدی، عبدالواحد بن محمد، «غرر الحکم و درر الکلم»، ج ۲، مترجم: رجائی، مهدی، دارالکتاب الاسلامی، قم، ۱۴۱۰ ق.
۶. بطحایی گلپایگانی، سید حسن، «جایگاه موعظه و تذکر در تربیت دینی از منظر علامه طباطبائی»، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، سال بیست و سوم، شماره ۲۰۲، مهر ۱۳۹۳.
۷. جوهری، اسماعیل بن حماد، «الصحاح تاج اللغه و صحاح العربیه»، ج ۶، تحقیق: عطار، احمد عبدالغفور، انتشارات دارالعلم الملايين، بیروت، ۱۴۰۷ ق.
۸. حر عاملی، محمد بن حسن، «وسایل الشیعه»، ج ۸، ج ۱۵، تحقیق: حسینی جلالی، محمد رضا، مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث، قم، ۱۳۷۰.
۹. دلشاد تهرانی، مصطفی، «سیری در تربیت اسلامی»، انتشارات دریا، تهران، ۱۳۸۲.
۱۰. دهخدا، علی اکبر، «لغت نامه»، ج ۲، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، تهران، ۱۳۶۳.
۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، «المفردات فی غریب القرآن»، ج ۲، تحقیق: داوودی، صفوان عدنان، دارالقلم، دمشق، ۱۳۷۴.
۱۲. طباطبائی، سید محمد حسین، «تفسیر المیزان»، ج ۷، ج ۷، مترجم: مکارم شیرازی، ناصر، مرکز نشر فرهنگی رجاء، تهران، ۱۳۶۷.



۱۳. طباطبائی، سید محمدحسین، «تفسیر المیزان»، ج ۱۰، چ ۷، مترجم: مکارم شیرازی، ناصر، بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبائی، قم، ۱۳۶۳.
۱۴. عالم زاده نوری، محمد، «نقش مربی در تربیت اخلاقی»، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ۱۳۹۲.
۱۵. عمید، حسن، «فرهنگ اسلامی عمید»، امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۰.
۱۶. فیومی، احمدبن محمد، «مصباح المنیر»، محقق: محمد، یوسف شیخ، المكتبة العصرية، بیروت، ۱۴۲۸ق.
۱۷. قرائتی، محسن، «تفسیر نور»، ج ۱، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، تهران، ۱۳۸۷.
۱۸. قطب، محمد، «روش تربیتی اسلام»، چ ۳، مترجم: جعفری، سید محمد مهدی، انجام کتاب، تهران، ۱۳۶۲.
۱۹. کلینی، محمدبن یعقوب، «اصول کافی»، ج ۱، مصحح: شمس‌الدین، محمدجعفر، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۳۶۹.
۲۰. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، «بحار الأنوار»، ج ۱، چ ۳، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۶۱.
۲۱. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، «بحار الأنوار»، ج ۲، دارالثقلین، قم، ۱۳۷۷.
۲۲. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، «بحار الأنوار»، ج ۷۵، چ ۷۸، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۶۸.
۲۳. محمدی ری شهری، محمد، «میزان الحکمه»، ج ۱، چ ۴، مؤسسه علمی فرهنگی دارالحديث، قم، ۱۳۸۸.
۲۴. مصطفوی، حسن، «التحقیق فی کلمات القرآن الکریم»، ج ۴، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۳۰ق.
۲۵. مکارم شیرازی، ناصر، «تفسیر نمونه»، ج ۱۱، چ ۳۲، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۵۳.
۲۶. مکارم شیرازی، ناصر، «دائرته المعارف فقه مقارن»، ج ۱، مدرسه علی بن ابیطالب، قم، ۱۳۸۵.

۲۷. مکارم شیرازی، ناصر، آرشیو درس خارج فقه سال ۹۴-۹۵، مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه، اصفهان، ۱۳۹۶.
۲۸. نجفی الجواهری، الشیخ محمدحسن، «جواهرالکلام فی شرح شرائع الإسلام»، ج ۶، چ ۷، مترجم: قوچانی، عباس، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۶۲.
۲۹. همت بناری، علی، «نگاهی به تعامل فقه و تربیت با تأکید بر نقش فقه در تربیت»، مجله معرفت، شماره ۵۷، شهریور ۱۳۸۱.